

جلسه ۱۸۲ (د) ۸۹/۱۰/۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در شرایط صحت صوم بود و عرض کردیم که یکی از شرایط صحت صوم سلامتی و عدم مرض مرض می باشد که مسائل مربوط به آن ذکر شد و گفتیم که ملاک خوف ضرر می باشد. خوب صاحب عروة به مناسبتی وارد بحث در جاهایی شده است که مربوط به مرض نیست اما ضرر در آن وجود دارد یعنی در جاهایی که یا به خودش یا به برادران دینی اش یا به عرض خودش یا برادر دینی اش ضرری وارد می شود روزه واجب نیست زیرا حفظ نفس از آن ضررها واجب است البته باید ثابت شود که این حفظ نفس أهم از وجوب روزه می باشد که دیروز درباره اینها بحث کردیم. صاحب عروة در ادامه می فرمایند همچنین روزه واجب نیست؛ **إذا خاف من الضرر في مالٍ يجب حفظه**، زیرا شارع مقدس فرموده؛ **حرمة مال مسلمٍ كحرمة دمه**، مثلاً فرض کنید شخصی در حریق گرفتار شده و اگر صائم بخواد روزه بگیرد نمی تواند آتش را خاموش کند که در این صورت حفظ مال أهم از وجوب روزه می باشد و یا فرض کنید که شخصی دارد غرق می شود و اگر شخص صائم بخواد آن را نجات بدهد لازمه اش این است که داخل آب شود و روزه اش باطل شود منتهی چون نجات غریق أهم است لذا در این صورت هم روزه واجب نیست و باید داخل آب شود و آن غریق را نجات بدهد. صاحب عروة در ادامه می فرمایند؛ **و كذا إذا زاحمه واجب آخر أهم منه**، و همچنین اگر واجب دیگری که أهم از صوم است مزاحم وجوب صوم باشد دیگر روزه واجب نیست مثل همان بحث حفظ نفس خودش و یا دیگری در آتش سوزی و یا نجات غریق.

خوب و اما بحث مهمی که در اینجا مطرح است و حضرت امام رضوان الله علیه نیز در حاشیه عروة به آن اشاره کرده اند بحث اصولی أهم و مهم و ترتب می باشد زیرا در اینجا فرض بر این است که دو واجب (صوم و حفظ نفس محترم) باهم تزامم پیدا

کرده اند که در این صورت بحثهای مهم و زیادی پیش می آید. اول بحث تزامم ملاکات است که در صورت تزامم ملاکات حکم تابع أقوى الملاکات می شود، و بحث دوم بحث تزامم احکام است یعنی بعد از اینکه بر اساس ملاکاتی احکام جعل شده اند در مقام امتثال تزامم بوجود آمده و این مربوط به عجز مکلف می باشد یعنی مکلف قدرت ندارد که هر دو واجب را انجام بدهد و باید یکی از آن دو واجب را انجام بدهد که در اینجا بحث أهم و مهم و تزامم احکام مطرح می شود و این بحث با بحث ترتب که در اصول داریم ارتباط پیدا می کند. در علم اصول گفته شده که اگر بین دو واجب تزامم بوجود آید مثل اینکه اول وقت وارد مسجد شده و نجاستی در مسجد می بیند، از طرفی ازاله نجاست واجب فوری است و از طرفی وقت نماز هم داخل و نماز نیز واجب شده است، خوب در اینجا نمی تواند هر دو واجب را در عرض هم انجام بدهد بلکه یا باید ازاله کند و یا باید نماز بخواند زیرا بین ازل النجاسة و صلّ تزامم واقع شده است، خلاصه اینکه اگر دو ضد باشند که قدرت انجام هر دوی آنها را ندارد یعنی عاجز از امتثال هر دوی آنها می باشد در این صورت یکی از آنها را باید انجام بدهد منتهی آن دو در یک مرتبه نیستند بلکه یکی أهم و دیگری مهم می باشد. خوب این بحث را در اصول از چند جهت مطرح کرده اند؛ اول اینکه اگر امر به شیء مقتضی نهی از ضدّ باشد امر به أهم مقتضی نهی از مهم می باشد و نهی در عبادت موجب بطلان است لذا اگر ازاله نکرد و نماز خواند از این راه می گوئیم نمازش باطل است (فرض بر این است که ازاله أهم و صلوة مهم می باشد)، خوب در جواب گفته شده که ما قائل نیستیم که امر به شیء مقتضی نهی از ضدّ باشد.

بحث دومی که مطرح است این است که ترک أحدالضدین مقدمه فعل ضدّ آخر باشد و ترک صلوة مقدمه فعل ازاله نجاست می باشد، بنابراین از این راه می توان گفت که باید ازاله کند و اگر بخواهد ازاله کند باید صلوة را ترک کند یعنی ترک صلوة مقدمه می شود برای فعل ازاله چون ترک أحدالضدین مقدمه فعل آخر است و مقدمه واجب هم واجب است پس ترک صلوة در اینجا واجب است، و از این راه می توانیم بگوئیم وقتی ترک صلوة

محمدتقی آملی و بسیاری از محشین عروة نیز از راه ترتب صحت صوم را درست کرده اند ، خلاصه اینها بحثهای اصولی بود که در اینجا مطرح شده بود و لازم بود که خدمتتان عرض شود و حضرت امام (ره) نیز در حاشیه عروة در اینجا فرموده اند : « کون أهمیة المزاحم موجباً لبطلان الصوم واشترائه بعدم مزاحمته له محلّ إشکال بل منع فالبطلان فی بعض الأمثلة المتقدّمة محلّ منع و کذا الحال فی مزاحمته لواجب أهمّ » .

خوب صاحب عروة در ادامه بحث می فرماید : « ولا یکفی الضعف وإن کان مفرطاً مادام یتحمّل عادة ، نعم لو کان ممّا لا یتحمّل عادة جاز الإفطار » . در بطلان صوم وضعی که عادة تحمل می شود کافی نیست و این کان مفرطاً ، بلکه اگر وضعی باشد که عادة تحمل نمی شود می تواند روزه اش را افطار کند یعنی اگر ضعف به حدی باشد که به عسر و حرج بیافتد دلیل عسر و حرج وجوب صوم را برمی دارد لذا می تواند روزه اش را بخورد مثل دختری که تازه به سن تکلیف رسیده و به خاطر ضعف شدید نمی تواند روزه بگیرد ، و خبر ۴ از باب ۲۰ از ابواب من یصح منه الصوم نیز بر همین مطلب دلالت داشت . و اما در مورد شغل نمی توانیم بگوئیم کسی که کارو شغلش سخت و دشوار است می تواند روزه نگیرد زیرا ما تابع دلیلیم و ادله ما برچنین مطلبی دلالت ندارند ، بلکه اگر شخصی باشد که برای امرار و معاش و تهیه خرج و مخارج خود و عائله اش باید کار کند و اگر کار نکند هم خودش و هم خانواده اش به عسر و حرج می افتند و حتی شاید گرسنه بمیرند ، در این صورت امر دائر می شود بین حفظ نفس و روزه گرفتن و چون حفظ نفس أهم است می تواند روزه نگیرد ، بنابراین بحث شغل اگر به این حد برسد می تواند روزه نگیرد و إلا فلا ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین

واجب شد فعلش منهی می شود و نهی در عبادت موجب فساد است پس در نتیجه نمازش باطل و فاسد می شود . اگر یادتان باشد مرحوم آخوند در کفایه بحث مفصلی کرده و گفته که ترک أحد الضدین نمی تواند مقدمه فعل ضد آخر باشد زیرا دو تا ضدّ در یک مرتبه هستند (مثل شب و روز و سفیدی و سیاهی) یعنی آن در ذیل خود و این در ذیل خود می باشد و رتبه آنها با هم فرقی ندارد و در مانحن فیه هم فعل إزالة و صلاة هم رتبه هستند و وقتی که فعلشان هم رتبه شد دیگر ترک أحد الضدین مقدمه ضدّ آخر نمی باشد زیرا مقدمه باید رتبه نسبت به ذی المقدمه مقدم باشد بنابراین اتحاد رتبه اقتضا می کند که مقدمیتی وجود نداشته باشد ، خلاصه کلام آخوند همین بود که به عرضتان رسید پس این راه هم صحیح نیست .

خوب و اما بحث سومی که بسیار مهم است و حضرت امام (ره) و همچنین بنده در حاشیه عروة به آن اشاره کرده ایم بحث ترتب می باشد و مرحوم آخوند در کفایه ترتب را قبول نکرده و گفته زیرا طلب الضدین از طرف امر محال است یعنی امر حکیمی که می داند این دو ضدّ در عرض هم بوجود نمی آیند هرگز امر به هر دو تای آنها نمی کند و از طرفی ایشان می فرمایند در صورت ترتب تعدد عقاب بوجود می آید . خوب ما عرض می کنیم که اگر هر دو مطلق باشند همین طور است یعنی اگر مولی در آن واحد بگوید صلّ و ازل و مکلف هم قدرت انجام هر دوی اینها را در عرض هم و در زمان واحد نداشته باشد حرف آخوند صحیح است ، اما اگر یکی از آنها مقید باشد مثلاً مولی بگوید ازل النجاسة و این ترک فصلّ اشکالی بوجود نمی آید و در عرفیات هم چنین چیزی واقع شده است ، مولی صلاة از شما نخواستسته بلکه صلاة مقید به ترک إزالة نجاست را از شما خواسته و فرض هم بر این است که إزالة أهم و صلاة مهم می باشد و کسانی که قائل به ترتب هستند در واقع یک امری درست کرده اند یعنی امر به أهم و امر به مهم مقید به ترک أهم ، بنابراین در مانحن فیه هم از راه ترتب ما نمی توانیم بگوئیم که صومش باطل است زیرا صوم مهم است و آن موضوعاتی که صاحب عروة فرموده اند (گرفتن روزه همراه با ضرر) أهم می باشند و آقای خوئی و حاج شیخ